

بریکس، بلندپرواز و نامتجانس



بهرام امیراحمدیان
تحلیلگر مسائل بین الملل

رهبان بریکس در اجلاس سران در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی، با پیوستن ایران، عربستان سعودی، امارات، آرژانتین، مصر و اتیوپی به این گروه موافقت کردند. این کشورها از ژانویه سال آینده رسماً عضو بریکس خواهند شد. هنوز کاملاً مشخص نیست که معیارهای رهبران بریکس برای عضویت اعضای جدید چه بوده و بر چه اساسی از این کشورها دعوت کرده‌اند. جیم اونیل، اقتصاددان ارشد شرکت خدمات مالی و بانکداری گلدمن ساکس که پیش‌تر و بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ به عنوان وزیر خزانه‌داری بریتانیا در دو دولت دویید کامرون و تریزا می فعالیت کرده در سال ۲۰۰۱ در مقاله‌ای با عنوان «ساختن اقتصاد جهانی بهتر - بریک» بر توان بالقوه کشورهای برزیل، روسیه، چین و هند برای فعالیت اقتصادی در کنار یکدیگر به عنوان قدرت‌های اقتصادی نوظهور تأکید کرده بود. او با قرار دادن حرف نخست نام این کشورها، نام «بریک» را برای این گروه پیشنهاد کرده بود. در آن زمان آفریقای جنوبی در این ایده قرار نداشت. آقای اونیل در آن مقاله تحلیل می‌دهد که در محافل اقتصادی، مالی، تجاری و دانشگاهی بسیار مورد توجه قرار گرفت پیش‌بینی کرده بود که در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ میزان رشد تولید ناخالص داخلی در اقتصادهای بازارهای نوظهور از همین شاخص در میان کشورهای گروه ۷ بیشتر خواهد شد. اما چرا بریکس مهم است؟ باید گفت؛ کشورهای عضو بریکس رکوردهای زیادی دارند: اولین (روسیه)، سومین (چین)، پنجمین (برزیل) و هفتمین (هند) کشورهای بزرگ دنیا، پرجمعیت‌ترین‌ها (دو کشور میلیارد نفری دنیا) یعنی چین و هند به جز آفریقای جنوبی، چهار کشور دیگر در بین هفت کشور اول از نظر مساحت و ۱۰ کشور اول دنیا از نظر جمعیت و تولید ناخالص داخلی هستند. سه ارتش از پنج ارتش بزرگ دنیا از نظر پرسنل در حال خدمت کشورهای بریکس در مجموع، حدود ۴۰ درصد جمعیت، نزدیک به یک‌چهارم تولید ناخالص ملی و حدود یک‌سوم خاک دنیا را تشکیل می‌دهند آفریقای جنوبی تنها کشور آفریقایی بریکس از نظر تولید ناخالص داخلی دومین اقتصاد بزرگ آفریقا است. کشورهای بریکس از مهم‌ترین تولیدکنندگان کالا، خدمات و مواد خام در دنیا هستند. دارای ذخایر عظیم و متنوع منابع طبیعی و زیرزمینی از جمله انرژی و عناصر کمیاب، نیروی کار فراوان و ارزان و هزینه پایین تولید هستند. سران اقتصادهای نوظهور در قالب گروه بریکس (BRICS) چند سالی است که با سخن گفتن از لزوم تلاش برای شکست امپراتوری دلار، آمریکا طرفداران زیادی پیدا کرده‌اند، اما آنها بنا بر دلایلی که همیشه وجود داشته است، در عمل با دشواری‌هایی روبه‌رو خواهند شد. «مارکوس شورت» که چند سالی به عنوان مسئول استراتژی بازار بانک سرمایه‌گذاری چینی به نام «های تونگ سکوریتیز» در لندن مشغول به کار بوده، تأکید می‌کند: «عنصر تعیین‌کننده برای کسب عنوان «زر ذخیره» از سوی دلار آمریکا آن است که این ارز دومین ارز پر استفاده برای معاملات داخلی است. دلار تقریباً پس از واحد پول هر کشور، پرکاربردترین ابزار مبادله در سراسر جهان است. حتی گاهی اوقات در این زمینه از ارزهای داخلی نیز پیشی می‌گیرد. تقریباً همه کالاها، جمله نفت و طلا به دلار معامله می‌شوند. حتی ارزهای دیجیتال تقریباً منحصراً با دلار آمریکا ارزش گذاری می‌شوند. آنچه برای یک ارز ذخیره نیز حیاتی است، استفاده از آن به عنوان ذخیره ارز است. صندوق بین‌المللی پول تخمین می‌زند که ۵۹ درصد از ذخایر بانک مرکزی جهانی به دلار است که سهم یورو ۲۰ درصد و یوان تنها ۱۵ درصد است». بریکس، مجموعه‌ای بلندپرواز اما نامتجانس از کشورهایی است (شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) که مایل‌اند تصور تسلط غربی‌ها را بر امور جهانی به چالش بکشند. دهها کشور دیگر برای پیوستن به این مجموعه در صف ایستاده‌اند. دولت ایران در نظر دارد دلار آمریکا را برای تجارت دو جانبه ۱۰ میلیارد دلاری با عراق کنار بگذارد. دو کشور قصد دارند ارزهای بومی خود را تقویت کنند و وابستگی به دلار آمریکا را پایان دهند. این حرکت اقتصاد محلی آنها را تقویت می‌کند و به کسب و کارها و درازمدت کمک می‌کند. توافق ایران و عراق در زمانی صورت می‌گیرد که اتحاد بریکس به دنبال تشکیل یک ارز جدید برای کنار گذاشتن دلار آمریکاست. وزیر نفت و گاز هند اعلام کرده که سیستم‌های پرداخت بین‌المللی «برای مدت طولانی وجود داشته‌اند» و جایه‌جایی دلار «خیلی آسان نیست». معاملات نفت گاهی اوقات با یوان چین، روبل روسیه یا یورو هند حل و فصل شده است، اما ایده «دلارزدایی» یا دور شدن از دلار آمریکا برای تسویه معاملات با ارزهای دیگر هنوز دور است. بانک بریکس که معمولاً «بانک توسعه جدید» (NDB) نامیده می‌شود، تأیید کرد که بر سر درخواست‌های کشورهایی را که به طور رسمی برای پیوستن به این اتحاد درخواست کرده‌اند، آغاز کرده است. دیلما روسف، رئیس بانک توسعه جدید، گفت که این بانک در حال بررسی درخواست‌های ارسال شده از ۱۵ کشور است. وی تأیید کرد که اولویت بریکس تنوع موقعیت جغرافیایی است. بانک بریکس می‌تواند نیاز دارد زیرا وام دادن به دلار آمریکا به دلیل تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه متوقف شده است. بنابراین، عربستان سعودی می‌تواند کلید احیای آن باشد و مسیر جدیدی را در بازارهای وام جهانی فراهم کند.

دریچه

سیدمصطفی هاشمی طباطبائی:

اندیشه حاکمیت یکدست شکست خورده است

یک فعال سیاسی، در خصوص چگونگی افق مردم‌برای حضور در انتخابات اظهار داشت: در جوامع انسانی یکدست‌سازی ممکن نیست. حاکمیت هم‌جداً از جوامع انسانی نیست. حتماً حاکمیت یکدست جایگزینی اداره جامعه نیست. واقعیت این است که یکدست‌سازی حاکمیت سیاستی شکست‌خورده است. سیدمصطفی هاشمی طباطبائی گفت: برخی دوستان می‌ترسند که اگر افرادی کارآمد قدرت سیاسی را به دست آورند اما اگر فردی کاربلد باشد نه تنها از حضور نیروهای توانمند نمی‌ترسد بلکه استقبال می‌کند زیرا می‌خواهد کار به بهترین شکل پیش برود. وی افزود: اندیشه یکدست‌سازی حاکمیت شکست خورده است و برای کشور و مردم ضررهای بسیاری دارد. امروز سرمایه اجتماعی دولت کاهش یافته است و اگر فضا باز نشود افرادی در مجلس روی کار آیند که صرفاً ستایش دولت کنند. کشور با مشکلات بیشتری روبه‌رو می‌شود. اگر فضا باز نشود، طبیعی است که مشارکت هم بالا می‌رود. برخی در کشور هستند که می‌خواهند فضا بسته بماند تا مردم در انتخابات مشارکت نکنند که در نتیجه خودشان را برای حداقلی وارد مجلس شوند.

امان... قرایی مقدم در گفت و گو با «آرمان ملی»:

کلید حل مشکلات اجتماعی حل مسائل اقتصادی است



چالش‌های اجتماعی به مسائل اقتصادی گره خورده است

مدیران دولتی میان گذشته و آینده در نوسان هستند

مشکلات معیشتی اجازه نمی‌دهد کارمندان دولت کارایی داشته باشند

آرمان ملی - احسان انصاری: «جامعه و مدیران در زمان پاندولی بسر می‌برند و میان گذشته و آینده در نوسان است و از تغییر ساعت که نشان دهنده حرکت و سرعت جامعه است به تابستانی نمی‌تواند تصمیم بگیرد و کارمندان، کارکنان و کارگران و مردم را در بلاتکلیفی قرار داده‌اند. در چنین شرایطی چگونه می‌توان انتظار داشت که بازدهی و کارایی در سازمان‌ها و نهادها افزایش و بهبود یابد و بر اساس عملکرد حقوق دریافت کرد. بنابراین این با این ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و روابط مداری که در جامعه وجود دارد نمی‌توان نسبت به آینده خوشبین بود.» جملات ذکر شده اظهارات دکتر امان... قرایی مقدم، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «آرمان ملی» درباره دلایل ناکارآمدی مدیران و کارمندان در دستگاه‌های اجرایی است. قرایی مقدم در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌ها در این زمینه اشاره کرده که در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

یکی از مهم‌ترین انتقادهایی که به دولت سیزدهم وارد است ناکارآمدی بخش‌هایی از مدیران دولتی است. به نظر شما چگونه می‌توان با توجه به ظرفیت‌های موجود، بهره‌وری و کارایی دولت را در زمینه‌های مختلف افزایش داد؟
افزایش بهره‌وری کارمندان و کارکنان دولت که رئیس‌جمهور در هفته‌های گذشته در جمع مدیران نیز مطرح و تأکید کردند که همه مسئولان باید به افزایش بهره‌وری بپردازند و توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و سرمایه اجتماعی و رضایتمندی و اعتماد مردم افزایش پیدا کند، نکته مهمی است که دولت باید به آن توجه جدی کند. اینکه چطور می‌توان مسیرهای گردش کار را کوتاه‌تر کرد، چابک‌سازی نمود و کارسنجی کرد که انجام یک کار به چند نفر نیاز دارد و برای نیروها، کار تعریف کنیم و نگذاریم وقت و عمرشان تلف شود و نظام عادلانه پرداخت حقوق و مزایای کارکنان دولت بر اساس میزان کار انجام شده باشد موضوعاتی کلیدی است. در این زمینه نظریه زمان و حرکت فردریک وینسلو تیلور، بنیانگذار مدیریت علمی در ۱۹۱۱ و تئوری بوروکراسی ماکس وبر، جامعه‌شناس بزرگ آلمانی و یکی از اصول‌های هر بوروکراسی است که انقلابی در نظام مدیریت اداری و سازمانی کشورهای توسعه یافته به وجود آورد و موجب رشد و توسعه اقتصادی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی و پرورشی و بالا بردن سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم نسبت به نظام دیوان سالاری گردید و از عوامل مهم توسعه یافتگی محسوب می‌شود، اما برای آنکه این مهم حاصل آید و میزان کارایی و بهره‌وری کارمندان و کارکنان نظام اداری و صنعتی و... در سازمان‌ها و نهادهای مختلف کشور بالا ببریم، همان‌طور که تیلور مطرح کرده اجزای مختلف یک کار و بهترین و کوتاه‌ترین روش انجام دادن هر یک از اجزای کار آموزش داده شود و کارکنان با روش درست انجام دادن کار و پیروی از زمان انجام دادن کار آشنا باشند. از همه مهم‌تر و بنیادی‌تر از دیدگاه جامعه‌شناسی همان‌طور که امیل دورکیم، جامعه‌شناس بزرگ فرانسوی در کتاب تقسیم کار اجتماعی در سال ۱۸۹۴ مطرح کرده، بالا بردن میزان همبستگی و انسجام ارگانیک بین کارکنان و به قول پاول هرسی و کنت بلانچارد صاحب‌نظران علم مدیریت علاوه بر مهارت فنی و مهارت انسانی بالا بردن مهارت ادراکی در بین کارمندان و کارکنان اداری و سازمان‌ها است.

این سخن به معنای این است که وضعیت در آینده بدتر خواهد شد؟

نه لزوماً؛ اگر زیرساخت‌ها فراهم گردد و همان‌طور که ماکس وبر در هر بوروکراسی ارائه داده انتخاب کارمندان، کارکنان و کارگران و... بر اساس غیرشخصی بودن، منطقی بودن، قانونی بودن و کارایی صورت گیرد و امکانات لازم برای انجام هر سمت در شغل در سازمان‌ها، موسسات، کارخانه و صنایع فراهم باشد می‌توان امیدوار بود که انقلابی در سازمان‌ها، موسسات، نهادها، کارخانه‌ها صورت گیرد و بر میزان تولید و بهره‌وری همان‌طور که در کشورهای توسعه یافته اروپای غربی، آمریکا، ژاپن، چین، کره جنوبی و... به این مهم دست یافته‌اند کشور ما نیز بتواند موفق باشد. نکته مهم در این زمینه این است که میلیون‌ها کارمند در نهادهای مختلف از دستگاه قوه قضائیه گرفته تا معلمین و کارمندان در سازمان‌های مختلف دولتی و خصوصی و سازمان اجتماعی و کارگران با حقوق ناچیز و زیر خط فقر در غم تأمین معاش هستند. با این وجود و در حالی که بیش از سه میلیون از جوانان تحصیلکرده دانشگاهی بیکارند و هزاران دختر و پسر به دلیل شرایط سخت اقتصادی بیداد می‌کند دولتمردان و مجلسیان چند صد میلیاردی تومانی را به برخی متولیان فرهنگی که کارکرد چندانی مفیدی نداشته‌اند اختصاص داده. امروز به شکل نمادین و

امروز جامعه در بخش‌های مختلف نسبت به برخی ناکارآمدی‌ها انتقاد دارد. آیا این مسائل توسط مدیران دولتی درک می‌شود؟

در جامعه‌ای که به قول کیندلر بزرگ، اقتصاددان بزرگ و استاد دانشگاه‌های آمریکا و یکی از معماران طرح مارشال کارمندان در کشورهای چون کشور ما از اینکه کارمند دولت هستند به خود می‌بالند، افتخار و فخر فروشی می‌کنند و روحیه افسانه‌ای دارند، در سال ۱۵۶ روز کار می‌کنند و به قول امیل دورکیم در همبستگی مکانیکی

نگره

تورم ۶۰ درصد دولت دوازدهم یا ۴۵ درصد

در شرایط حاکمیت یکپارچه که انتظار بود دولت باری از دوش مردم بردارد و مشکلات روزافزون آن‌ها را کاهش دهد، اما اینگونه نشد. تورم و گرانی شدید کالاهای اساسی که حتی از دوران جنگ و تحریم‌های شدید علیه ایران نیز بدتر بود از همان سال اول دولت رئیسی تاکنون، زندگی را بر مردم سخت کرده است. علاوه بر این فیلترینگ و قطع دسترسی مردم به اینترنت نیز اخلاص گسترده‌ای در زندگی و کسب و کار مردم ایجاد کرده است. در کنار این موارد، دولت به جای پذیرفتن واقعیت‌های جامعه و بیان دلایل واقعی عدم ناکامی در حل مشکلات اقتصادی مردم و کشور و البته شنیدن سخنان و انتقادهای دلسوزانه کارشناسان، همچنان می‌گوید که علت مشکلات فعلی دولت روحانی است! اما پرسشی که مطرح می‌شود، این است که تا چه زمانی می‌توان «دولت قبل» را مقصر مشکلات فعلی معرفی کرد؟ رئیسی وعده داده بود که نرخ تورم را نصف و سپس تک‌رقمی خواهد کرد، اما با گذشت دو سال نه تنها این وعده تحقق نیافت بلکه تورم نیز افزایش یافته و کمر مردم زیر بار فشار گرانی خم شده است. رئیسی زمانی که دولت را از روحانی تحویل گرفت، نرخ تورم ۴۵ درصد بود، اما بر اساس تازه‌ترین گزارش مرکز آمار - که با تأخیر چند روزه و بعد از انتشار توسط خبرگزاری‌های خاص اعلام شده است - نرخ تورم به ۷۰۴۶ درصد رسیده است.

اینکه چطور می‌توان مسیرهای گردش کار را کوتاه‌تر کرد، چابک‌سازی نمود و کارسنجی کرد که انجام یک کار به چند نفر نیاز دارد و برای نیروها، کار تعریف کنیم و نگذاریم وقت و عمرشان تلف شود و عادلانه پرداخت حقوق و مزایای کارکنان دولت بر اساس میزان کار انجام شده باشد موضوعاتی کلیدی است

قابل مشاهده‌ای چالش‌های اجتماعی به مسائل اقتصادی گره‌خورده و روی آن تأثیر گذاشته است. البته مسائل دیگر مانند آزادی بیان و آزادی اندیشه نیز در به وجود آمدن رضایت اجتماعی تأثیرگذار است. با این وجود در شرایط کنونی کلید حل مشکلات اجتماعی حل مسائل اقتصادی و معیشتی جامعه است. همین که دولت تلاش می‌کند به صورت عملی مشکلات را حل کند و در صحنه حضور پیدا می‌کند به نوعی انگیزه برای اقشار مختلف اجتماعی و خصوصاً قشر ضعیف جامعه است.

مهاجرت نخبگان و فراهم نبودن شرایط کار برای آنها در دستگاه‌های دولتی و اجرایی به چه میزان در ناکارآمدی آن تأثیر گذاشته است؟

بنیامین هگنز، استاد دانشگاه هاروارد که در زمینه فرار مغزها مطالعه‌ای در انجام داده عنوان می‌کند: «هیچ سازمان و مقرراتی در زمینه رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بدون اینکه مردانی که آن را اداره می‌کنند بدانند که چه کاری انجام می‌دهند به نتیجه نخواهد رسید. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که نیروی انسانی برای مدیریت جامعه به چه اندازه حائز اهمیت است. آلفرد مارشال برنده نوبل اقتصاد نیز عنوان می‌کند: «اگر آموزش و پرورش کشوری در طول ۱۰۰ سال یک مخترع را پرورش بدهد هزینه ۱۰۰ ساله آموزش و پرورش آن کشور را جبران کرده است. اغلب جامعه‌شناسان بزرگ جهان روی موضوع نیروی انسانی و اهمیت آن در مقوله توسعه اجماع نظر دارند و کتاب‌های زیادی درباره این موضوع نوشته شده است. در نتیجه هیچ چیزی نمی‌تواند در پرورش توسعه جایگزین نیروی انسانی کارآمد شود. در واقع نیروی انسانی است که جامعه را مدیریت می‌کند. به همین دلیل نیروی انسانی برای توسعه و کشور اهمیت راهبردی و استراتژیک دارد. نیروی انسانی در زمینه‌های مختلف تخصصی در جامعه حائز اهمیت است و تنها مختص به یک تخصص نیز نیست. هگنز همچنین بر این باور است که کشورهای در حال توسعه با درآمدهای ارزی که دارند پیشرفته‌ترین تکنولوژی و صنعت را وارد کنند اما نیروی انسانی ماهر و متخصص نباشند به رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی نمی‌رسند. دلیل این موضوع این است که نیروی غیرماهر و غیرمتخصص نمی‌تواند از این تکنولوژی استفاده کند. سوال مهمی که امروز مطرح است این است که چه کسی هزینه خسارت‌های ناشی از مهاجرت نخبگان از کشور را پرداخت می‌کند؟ واقعیت تأسف بار این است که ما میلیاردها تومان هزینه کردیم تا نیروی متخصص در جامعه تربیت کنیم اما به صورت رایگان در اختیار کشورهای بیگانه قرار دادیم. بر اساس دیدگاه آلفرد سوی جامعه‌شناس فرانسوی هر فردی در جامعه یک هزینه سرانه دارد. از لحظه تشکیل تلفه یک فرد هزینه سرانه آن در جامعه آغاز می‌شود. این هزینه در همه مراحل رشد فرد وجود دارد و تا بزرگسالی ادامه پیدا می‌کند. در چنین وضعیتی برای پرورش و تربیت یک لیسانس در ایران بیش از یک میلیارد سرانه هزینه شده است. این در حالی است که هزینه‌هایی که در این زمینه صورت می‌گیرد به راحتی و به صورت رایگان در اختیار کشورهای دیگر قرار می‌گیرد.

اگر آموزش و پرورش کشوری در طول ۱۰۰ سال یک مخترع را پرورش بدهد هزینه ۱۰۰ ساله آموزش و پرورش آن کشور را جبران کرده است. اغلب جامعه‌شناسان بزرگ جهان روی موضوع نیروی انسانی و اهمیت آن در مقوله توسعه اجماع نظر دارند و کتاب‌های زیادی درباره این موضوع نوشته شده است